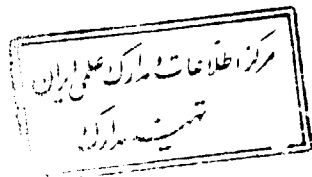


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۸۰ / ۴ / ۲۰



## دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

پایان نامه:

جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد مدیریت توانبخشی

موضوع:

بررسی مشکلات شغلی زنان معلول جسمی

استاد راهنما: جناب آقای دکتر مجید میرخانی

اساتید مشاور:

جناب آقای دکتر مهیار صلواتی

جناب آقای دکتر مسعود کریملو

~~۱۳۸۱~~

۱۳۸۱

نگارش: فرانک زینعلی

بهار ۱۳۷۹

۳۸۸۶

با سپاس فراوان از زحمات استاد ارجمندم  
جناب آقای دکتر مجید میرخانی که انجام  
و تدوین این پایان نامه را مرهون رهنمودهای  
مدبرانه ایشان می دانم.

با تشکر و سپاسگزاری از اساتید ارجمند  
جناب آقای دکتر مهیار صلواتی و جناب آقای  
دکتر مسعود کریملو که در زمینه نگارش این  
پایان نامه راهنمایی بسیار مبذول داشته اند.

با تشکر از خانم : منصوره ربیعی  
و آقایان : نورالدین کریمی ، بهنام اخباری  
به سبب کمکهای فکری و محبتهای بی شائبه شان در تهیه  
و تنظیم این پایان نامه

تقدیم به پدر و مادر بزرگوارم  
که اولین و بهترین آموزگاران زندگییم بودند

تقدیم به همسر خوبم  
که در تمامی رنجها و مشکلات دوران تحصیل همگام و مشوق من  
بود.

## مقدمه :

معلولین قشر عظیمی از جامعه را تشکیل می دهند بر اساس داده های ILO ۱۰٪ از افراد جامعه را معلولین تشکیل میدهند که بر اساس همین برآورد ۳٪ معلولین نیازمند خدمات توانبخشی حرفه ای میباشند. در سرشماری سال ۱۳۶۵ تعداد معلولین با معلولیت‌های قابل رویت حدوداً یک درصد از جامعه بوده که یک سوم از آنان در سنین بین ۱۴ تا ۴۰ سال یعنی در محدوده استفاده از آموزش توانبخشی حرفه ای می باشند. معلولیت بعنوان یک عامل بازدارنده بر سر راه اشتغال افراد عمل میکند و اگر به این مسئله توجه کافی بعمل نیاید سبب بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی برای خود فرد و جامعه می گردد.

توانبخشی حرفه ای بعنوان بخشی از روند اجتماعی سازگاری یا برگشت افراد معلول به اجتماع محسوب می گردد داشتن شغل برای معلولین فراتر از دستیابی به دستمزد اقتصادی است و سبب تأمین کلیه نیازهای روحی، عاطفی و روانی می گردد. اشتغال هویت اجتماعی به فرد داده سبب احساس رضایتمندی در فرد می گردد.

معضل بیکاری یکی از مشکلات موجود در جامعه ما میباشد که در این میان شانس اشتغال معلولین به مراتب کمتر از افراد عادی است نرخ بیکاری در سال ۱۳۷۰ (۱۱/۴٪) و نرخ بیکاری برای معلولین در همان سال ۲۷ درصد بوده است یعنی فرصت اشتغال معلولین تقریباً ۱/۲ افراد عادی می باشد. این مسئله درباره زنان معلول به شکل جدی تری خودنمایی می کند. جامعه شناسان به تبعیض دو جانبه جنسیت و معلولیت درباره زنان معلول اشاره می کنند و این تبعیض بقدری جدی و فراگیرنده میباشد که تقریباً کلیه جنبه های زندگی آنان از جمله تحصیلات، کار، ازدواج، خانواده... را متأثر می سازد.

از نظر اشتغال میزان فعالیت مردان ۹ برابر میزان فعالیت زنان است که این مقدار در مورد معلولین باز هم کاهش می یابد (شانس اشتغال زنان معلول ۱/۲ زنان عادی است). در حالیکه زنان معلول نیز همانند سایرین برای تأمین نیازهای متعارف خود نیازمند انجام فعالیتهای اقتصادی میباشند. با توجه به ابعاد مسئله، روند افزایش جمعیت و بالا بودن نرخ بیکاری بخصوص در میان زنان معلول لازم است برنامه ریزیهای صحیح و حمایتی مناسب در جهت اشتغال و ادامه آن در بین معلولین بخصوص زنان معلول صورت پذیرد که در این میان شناخت دقیق مشکلات و مسائل موجود در زمینه اشتغال یکی از ارکان اساسی این برنامه ریزیها می باشد.

## فهرست

صفحه	فصل اول : طرح تحقیق
	مقدمه
۱	(۱-۱) بیان مسئله .....
۳	(۱-۲) ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق .....
۱۲	(۱-۳) مروری بر اطلاعات و آمار موجود .....
۱۵	(۱-۴) داده های عمومی آماری معلولیت در ایران .....
۱۹	(۱-۵) توزیع نسبی جنسی معلولین کشور .....
۲۰	(۱-۶) میزان فعالیت و مقایسه فعالیت کشور با جمعیت معلول .....
۲۳	(۱-۷) بررسی شاغلان در گروههای عمده شغلی .....
۲۴	(۱-۸) تعریف واژه های مفاهیم عنوان تحقیق .....
۲۸	(۱-۹) اهداف بررسی .....
۲۹	(۱-۱۰) سئوالات .....
۲۹	(۱-۱۱) فرضیات .....
۳۰	(۱-۱۲) متغیرهای مورد مطالعه .....

### فصل دوم : مروری بر پیشینه تحقیق

### فصل سوم : مبانی نظری پژوهش (نکاتی در رابطه با توانبخشی و توانبخشی حرفه ای)

۳۹	(۳-۱) روند توانبخشی .....
۴۰	(۳-۲) پیشرفت تاریخی خدمات حرفه ای معلولین .....

۴۴	..... (۳-۳) توان بخشی حرفه ای در ایران
۴۶	..... (۳-۴) روند توانبخشی حرفه ای
۴۹	..... (۳-۵) اهداف توانبخشی شغلی
۵۱	..... (۳-۶) وجه تمایز مشکلات معلولین با روند عادی اشتغال در جامعه
۵۲	..... (۳-۷) نقاط قوت در بین معلولین از دید کارشناسان توانبخشی
۵۳	..... (۳-۸) جهت گیریهای موضعی ابعاد طبقه بندی جنسی (آموزش و اشتغال)
۵۵	..... (۳-۹) جهت گیریهای اسکاپ در زمینه آموزش و اشتغال (از سال ۱۹۹۵-۲۰۰۲)
۵۷	..... (۳-۱۰) توصیه های اسکاپ
۵۸	..... (۳-۱۱) قوانین کار و اشتغال در رابطه با معلولین
۶۵	..... (۳-۱۲) الگوهای اشتغال معلولین

#### فصل چهارم: روش پژوهش و تجزیه و تحلیل آماری داده ها

۷۴	..... (۴-۱) مقدمه
۷۴	..... (۴-۲) روش بررسی
۷۵	..... (۴-۳) جامعه آماری مورد بررسی
۷۵	..... (۴-۴) وسایل و نحوه جمع آوری اطلاعات
۷۶	..... (۴-۵) استخراج، جدول بندی و تجزیه و تحلیل
۷۶	..... (۴-۶) روشهای آماری مورد استفاده
۷۷	..... (۴-۷) تجزیه و تحلیل داده ها
۷۸	..... بخش اول
۱۰۷	..... بخش دوم
۱۱۷	..... بخش سوم



فصل پنجم : بحث و تفسیر نتایج

۱۲۱	.....	مقدمه (۵-۱)
۱۲۱	.....	مروری بر نتایج (۵-۲)
۱۲۴	.....	جمع بندی و نتایج بدست آمده (۵-۳)
۱۲۶	.....	کاربردها و پیشنهادات (۵-۴)
۱۳۰	.....	پیشنهادات پژوهشی (۵-۵)
۱۳۰	.....	محدودیت‌های تحقیق (۵-۶)
۱۳۱	.....	ضمائم و منابع

فصل اول  
طرح تحقیق

## ۱-۱ بیان مسئله

معلولین قشر عظیمی از جامعه را تشکیل می دهند. این افراد بر طبق برآورد سازمان بهداشت جهانی بین ۴-۳/۵ درصد جمعیت را شامل میشوند که بنحوی به استفاده از یک تا کلیه خدمات توانبخش نیازمند می باشند. در سال ۱۹۸۵ برآورد شده که در جهان بیش از ۵۰۰ میلیون انسان در نتیجه اختلالات ذهنی، جسمی دچار ناتوانی هستند اگر تعداد خانواده‌هایی که زندگیشان به دلیل لزوم مراقبت از یک عضو ناتوان خانواده تحت تاثیر واقع شده به تعداد افراد ناتوان اضافه کنیم حداقل تا آنجائی که به توانائی تولید مربوط میشود حدود ۲۵ درصد از جمعیت هر کشور تحت تاثیر ناتوانی قرار دارند. گزارشهای منتشره از سازمان بین المللی کار ILO<sup>۱</sup> تعداد واقعی را بیش از این مقدار اعلام کرده و از جمله دلایل ارائه شده در زمینه نارسائی این رقم توجه به برخی از اقلام مهم معلولیت در دنیا و در نظر گرفتن گستردگی طیف معلولیت است. بر اساس همین برآورد حدود ۳٪ معلولین نیاز به خدمات توانبخشی حرفه ای دارند. در سرشماری سال ۱۳۶۵ تعداد معلولین با معلولیتهای قابل رویت حدوداً یک درصد جامعه را تشکیل که نزدیک به یک سوم آن در سنین بین ۱۴ تا ۴۰ بوده و در محدوده استفاده از آموزش حرفه ای قرار داشته اند. بهر حال علیرغم آنکه گروه معلولین از نظر آماری در صدر کمی از جمعیت را نشان میدهند ولی با نگرش بر تعداد عددی آنان مشاهده میشود که قشر عظیمی از جامعه را شامل شده و زمانی که این قشر عظیم از جامعه طرد شده و در چرخه اشتغال و تولید قرار نگیرند نه تنها ممکن است به افرادی مصرف کننده تبدیل گردند بلکه فعالیتهای اقتصادی اجتماعی دیگر افراد خانواده را تحت الشعاع

خود قرار می دهند. همین امر سبب بروز بسیاری از مشکلات اجتماعی، فرهنگی، ... در جامعه شده و اثرات مهلک عاطفی، روحی، روانی بر فرد معلول وارد می کند. زمانی که معلولیت بعنوان یک مانع برای اشتغال فرد به شمار می آید و سبب سقوط فرد به مرحله وابستگی شده و برای خانواده وی نیز سبب تقلیل درآمد و تحمیل شدن هزینه های مضاعف معلولیت می گردد. برای اجتماع نیز سبب کمبود مهارت و نیروی انسانی و کاهش تولید شده و تعهدهای مالی برای مراقبت از معلولین و خانواده هایشان همراه با افزایش شمار افراد مصرف کننده و وابسته برای جامعه می گردد. پس مسلم است از آنجائیکه افراد معلول نیز همچون سایر آحاد جامعه در دورنمای زندگی اجتماعی خود نقشی از جهت مشارکت در فعالیتهای جامعه را بصورت داشتن شغلی که بتواند متضمن کسب درآمد و تامین نیازهای متعارف زندگی باشد را برای خود قائل هستند. نیل به چنین انتظاری می تواند عامل موثری جهت تامین بهداشت روانی این گروه از افراد جامعه محسوب گردد. در این میان توانبخشی حرفه ای می تواند بعنوان بخشی از روند اجتماعی سازگاری یا برگشت افراد معلول به اجتماع محسوب گردد که با شرکت در فعالیتهای شغلی مهارتهای ارتباطی در فرد تقویت گردیده و در برقراری و حفظ رابطه اجتماعی ورزیدگی می یابد. داشتن شغل برای معلولین فراتر از دستیابی به دستمزد اقتصادی بوده بلکه کار و کوشش اثرات درمانی و روانی داشته و ارتباط معلولین را با جامعه فراهم می نماید حس تشریک مساعی و شرکت در فعالیتهای را افزایش داده موجب ایجاد منزلت شخصی و اجتماعی می گردد. بطور کلی کار امکان تامین کلیه نیازهای بشر اعم از فیزیولوژیک، نیازهای مربوط به ایمنی خاطر،

نیازهای روانی-عاطفی، نیازهای مربوط به برخورداری از شان و منزلت و بالاخره احساس خودشکوفائی را فراهم می آورد و بعنوان فعالیتی در جهت برآورد نمودن احتیاجات زندگی و تامین آسایش خود و افراد خانواده محسوب می گردد. اشتغال هویت اجتماعی به فرد داده سبب احساس رضایت مندی در فرد می گردد. بنابراین با توضیحات مطرح شده ارزش اشتغال و توانبخش حرفه ای در زندگی افراد بخصوص معلولین مشخص می گردد و بعلت اهمیت موضوع هر گونه طرح تحقیقاتی در این زمینه میتوانند با رفع مشکلات موجود دستیابی به اهداف مذکور را امکانپذیرتر نماید.

## ۱-۲ ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

موضوع اشتغال بعنوان یکی از مهمترین شاخصهای توسعه اقتصادی اجتماعی ملتها مدنظر بوده و در زمره سیاستهای کلان در برنامه ریزیهای ستون اقتصادی را تشکیل می دهد. بویژه در کشور ماکه گروه عظیمی از جمعیت را جوانان تشکیل می دهند گسترش فرصتهای شغلی از حساسیت و ویژگیهای خاصی برخوردار است. پیش بینی برنامه دوم توسعه ۱۳۷۴-۱۳۷۸ برای ایجاد ایجاد فرصتهای شغلی سالیانه ۴۶۰ هزار شغل بوده که تکافوی بازار کار را نخواهد داد لذا با انبوه بیکاران مواجه خواهیم بود. بیکاری دارای ابعاد گسترده ای است در وجه اقتصادی مولفه هائی مانند گسترش فقر، افزایش بار تکفل، کاهش بهره وری نیروی کار، کاهش ضریب اشتغال، کاهش

تولید ملی، گسترش مشاغل کاذب، اتلاف منابع انسانی، عدم رونق پایدار اقتصادی، عرضه نیروی کار و غیره را بوجود می آورد. در بعد فرهنگی اجتماعی نیز پدیده های بی تفاوتی، بی اعتمادی، عدم مشارکت همگانی، مسئولیت زدائی، انحطاط فرهنگ کار، سقوط ارزشها و در نهایت ناهنجاریهای اجتماعی را فراهم می سازد. نارسائیهای ذکر شده در جامعه در زمینه اشتغال معلولین به صورت شدیدتری وجود دارد. معضلات بیکاری معلولان به دلیل معلولیت و محرومیت در انتخاب شغل و مسائل فرهنگی و اجتماعی و دید جامعه نسبت به این افراد که به آن اشاره خواهد شد هزینه و بار سنگین تری را در مقایسه با افراد غیر معلول در طولانی مدت برای دولت و جامعه فراهم خواهد نمود. سازمان بهداشت جهانی ده ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۳ را دهه تساوی فرصتها و اسکاپ (ESCAP) ۱ سالهای ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ را نیز تمديد دهه تحت تساوی فرصتها برای معلولین پیش بینی نموده است اگر دو عامل آموزش و اشتغال که از مهمترین شاخصهای توسعه اقتصادی اجتماعی جامعه می باشد در نظر گرفته شود مشاهده می گردد که نرخ بیکاری در همان سال (۱۳۷۰) ۱۱/۴ درصد و نرخ بیکاری در بین معلولین ۲۷ درصد بوده است که این امر بیانگر این مطلب است که جمعیت عادی جامعه بالنسبه توانسته است بمیزان تقریباً ۲ برابر از فرصتهای اشتغال در مقایسه با معلولین استفاده نماید. ۲

اگر چه امکانات اشتغال اشخاص ناتوان از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد اما نمی توان این واقعیت را پنهان داشت که حتی در پیشرفته ترین کشورها نیز معلولیت بعنوان یک سد راه

<sup>۱</sup> ESCAP = Economic Social Comision of Asia and Pasific

<sup>۲</sup> سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵، نتایج تفصیل معلولیت، تهران: مرکز آمار ایران

اشتغال خودنمائی می کند و شانس اشتغال یک فرد معلول در جامع بمراتب کمتر از افراد سالم است. در جوامعی که بیکاری وجود داد معلولین بیشتر از دیگران صدمه دیده و اولین کسانی هستند که قربانی این وضعیت میشوند و از طرفی آخرین کسانی هستند که شانس اشتغال دارند. علیرغم فقدان اطلاعات بین المللی در مورد شرایط معلولین زن میتوان شمار آنها را یک سوم جمعیت کل معلولین جهان دانست اگر کودکان مونث را به حساب آوریم رقم کل معلولین زن به حدود پنج درصد کل جمعیت هر کشور میرسد. در این میان جامعه شناسان به تبعیض دو جانبه ای اشاره می کنند که زنان معلول را رنج میدهد: یکی بخاطر جنسیت و دیگری معلولیت. این تبعیض بقدری جدی و فراگیرنده می باشد که تقریباً کلیه جنبه های زندگی آنها از جمله تحصیلات، کار، وضع مالی، ازدواج، خانواده ... را متاثر میسازد.

در مورد زنان معلول تحقیقات و مطالعات مختصری صورت گرفته است. مع الوصف، شواهد موجود نشان میدهد که این افراد برای دستیابی به برنامه های توانبخشی با مشکلات جدی مواجه هستند. حتی اگر در اجتماعی که زندگی میکنند این خدمات بصورت پیشرفته و گسترده موجود باشد. تا زمانی که برای احراز شغل مناسب توانائی ملاک و معیار می باشد و خدمات گسترده توانبخشی سبب دستیابی به این توانائی ها می گردد و اغلب زنان معلول به دلیل بی بهره گی از این خدمات شانس اشتغال کمتری خواهند داشت. بطور کلی امکانات موجود برای بدست آوردن شغل برای زنان به مراتب کمتر از مردان است و زنان برای احراز شغل با مشکلات فراوانی مواجه میباشند چه بسیارند مشاغلی که زنان بدلیل جنسیت صلاحیت احراز آن را ندارند در این شرایط